



نقش عوامل اجتماعی در بیکاری جوانان

محقق: دکتر عزت‌آه سام آرام

(دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی)

مقدمه

در همهٔ جوامع بشری و در طول تاریخ برای هر فرد هنگامی که از سن کودکی عبور کرده و به سن بزرگسالی می‌رسد، برای او نیازهایی تعریف می‌شود که تأمین آنها عمدتاً از طریق داشتن شغل مناسب میسر می‌گردد. نیازهایی چون نیازهای مادی، نیاز به امنیت، نیاز به تداوم عضویت در جامعه به عنوان فردی به هنجار، نیاز به داشتن احترام نزد مردم و در نهایت نیاز به خودیابی و رسیدن به تعالی.

تأمین همه آنها گرچه زمینه‌های متعدد و تلاش‌های فراوان فرد را طلب می‌کند، ولی شاید بتوان گفت که همهٔ آنها به صورتی با شغل فرد در ارتباط هستند.

کار و شغل مناسب معمولاً برای فرد و خانوادهٔ او اهمیت اقتصادی، اجتماعی و روانی را به دنبال دارد. در بین جوانان هر جامعه‌ای، داشتن شغل مناسب معمولاً نشانهٔ رشد آنها و عبور آنها از دوران کودکی و ورود آنها به مرحلهٔ بزرگسالی است. شاید بتوان گفت که از جمله هنجارهای مشترک در همهٔ جوامع بشری که در تعریف رشد و تعالی جوانان به کار می‌رود، داشتن شغل مناسب است.

از سوی دیگر، می‌توان گفت که فرایند پذیرش فرد در جامعه نیز معمولاً بر محور شغل او گردش می‌کند. همچنین جایگاه و منزلتی که فرد در جامعه به دست می‌آورد هم مستقیماً در رابطه با نقش‌های او تعریف می‌شود که مهم‌ترین آنها نقش شغلی اوست. به علاوه، میزان اعتماد به نفس فرد در بسیاری از موارد در رابطه با میزان موفقیت او در شغل و

چگونگی مناسبت شغل او با سایر ویژگی‌های او برقرار می‌گردد. وقتی یک جوان از خودش سؤال می‌کند که «من چکاره‌ام»، اگر جواب مناسبی نیابد، اعتماد به نفس او رو به ضعف می‌رود.

میزان احساس مسئولیت فرد نسبت به خود و دیگران تا حدود زیادی مرتبط با داشتن شغل مناسب و میزان موفقیت در آن شغل تعریف می‌شود.

نداشتن شغل و بیکاری طولانی مدت برای فرد اضطراب‌آفرین است. فشارهای ناشی از اضطراب در مواردی می‌تواند فرد را به رفتارهای ناهنجار مثل اعتیاد و فرار بکشانند که برای او نوعی تسکین موقت است و دوباره و در یک دایرهٔ معیوب، اضطراب‌های پیچیده‌تر و ناشناخته‌تری را بر او تحمیل می‌کند که بخشی از آنها مرتبط با خلاف کاری‌ها، مخفی کاری‌ها و خطر جدایی از جامعه است. در حالی که دسترسی جوانان به کار و شغل مناسب و بهره‌مندی آنها از امکانات اشتغال می‌تواند میزان سلامت در جامعه را افزایش داده و موجب کاهش انحرافات اجتماعی بشود.

در گذشته‌های دور و در زمانی که همهٔ مردم به مشاغل سادهٔ سنتی اشتغال داشتند و برای شاغل شدن، داشتن تخصص، سرمایه و ابزار پیچیده مورد نیاز نبود، نظام سنتی اقتصاد، برای جمعیت محدود آن زمان که اکثراً در روستاها و در کشت معیشتی مشغول بودند، به اندازهٔ کافی مشاغل سنتی را فراهم می‌کرد. در آن زمان میزان رشد جمعیت هم چندان نبود که تعادل عرضه و تقاضای بازار کار را به هم بزند،

ولی در شرایط فعلی که نظام تولید تخصصی شده، نیازهای انسان‌ها وسیع و متنوع شده و مصرف‌کالاهای مختلف به ویژه کالاهای جدید صنعتی افزایش یافته است. حفظ برخی هنجارهای ارزشی درمورد شغل و ارزیابی سنتی از شغل، نوعی تأخیر فرهنگی را که ابتدا در مصرف‌کالاهای صنعتی به وجود آمده بود، پهنهٔ اشتغال و کارایی‌کشانده و مشکل بیکاری جوانان را در جامعهٔ ما گسترش داده است.

بی‌شک مسأله بیکاری در کشور ما متأثر از خیل عظیم جوانانی است که در چند سال اخیر به عنوان جویندگان شغل به بازار کار کشور وارد شده و همچنین افزایش نسبت زنان دانش‌آموخته با مدرک دانشگاهی که در گذشته و حتی تا دههٔ قبل هم سابقه نداشته است و قرار گرفتن آنها در صف بیکاران در جستجوی کار که منتج به ایجاد تقاضای وسیع در بازار کار به صورتی شده که همهٔ امکانات و ظرفیت‌های ایجاد شغل در کشور به صورت عادی، تنها می‌تواند پاسخگوی نیمی از تقاضا باشد و برای نیمی دیگر باید برنامه‌های جدید و روش‌های مكملی را به کار بست تا عوارض ناشی از این هجوم بی‌رویه که حداقل تا ده سال دیگر ادامه دارد، مهار گردد.

البته در همین شرایط بحرانی، بسیاری از جوانان کشور با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و تربیتی متفاوت موفق می‌شوند که فرصت‌های شغلی مناسب خودشان را اشغال کنند، ولی برخی جوانان یا در انتظار شغل به سر می‌برند و یا هر چند وقت یک بار به شغل جدیدی می‌پردازند و پس از

مدت کوتاهی، آن را رها می کنند و مدت ها بیکار می مانند.

وجود چنین وضعیت خاصی، این فرصت را مطرح می کند که احتمالاً بخشی از نرخ بالای بیکاری در جامعه می تواند علل اجتماعی - فرهنگی داشته باشد، چرا که امکانات اقتصادی در کشور، فرصت های شغلی متفاوتی را برای جوانان کشور فراهم می کند. ولی جوانان جامعه به ویژه در شهرهای بزرگ، برخی از این فرصت ها را احتمالاً به دلایل اجتماعی، فرهنگی نمی پذیرند و بیکار می مانند، در حالی که مهاجرین خارجی مثل افغانی ها به راحتی از این فرصت های شغلی استفاده می کنند و مشغول کار می شوند. در این رابطه، سئوالات بسیاری بی جواب مانده که در مورد جوانان شهر تهران، مهم ترین این سئوالات عبارتند از:

- ۱- عوامل اجتماعی و فرهنگی که در بیکاری برخی از جوانان شهر تهران نقش دارد کدامند؟
 - ۲- آیا ویژگی های خانوادگی و محیط زندگی می تواند در اشتغال یا بیکاری جوانان تهران نقش داشته باشد؟
 - ۳- چرا برخی جوانان تهران حاضرند بیکار بمانند ولی کار در برخی محیط های کاری را نپذیرند؟
- برای پاسخ به این سئوالات و کسب شناخت در مورد عوامل اجتماعی مرتبط با بیکاری جوانان، در سال ۱۳۸۱ پژوهشی با روش پیمایشی توسط مؤسسه کار و تأمین اجتماعی انجام شد که مقاله حاضر بخشی از نتایج آن پژوهش را در بر دارد.

الف- تعاریف بیکاری

بیکاری را وقفه غیرارادی و طولانی مدت کار به طوری که امکان به دست آوردن شغل جدید میسر نباشد، دانسته اند.

ویژگی های بیکاری عبارتند از:

- ۱- غیر ارادی بودن آن ۲- طولانی بودن مدت آن ۳- دشواری در یافتن شغل جدید و ناممکن شدن آن.

- چنانچه عواملی چون بیمه بودن، رسمی بودن و دولتی بودن شغل را در یک مجموعه بررسی کنیم و با استناد به ویژگی مشترک این سه عامل، که امنیت شغلی و تأمین آینده را در پی دارد، مشخص می شود که توسعه تأمین اجتماعی و فراگیر شدن آن در مشاغل مختلف می تواند عاملی باشد برای کاهش نرخ بیکاری جوانان به ویژه در گروه زنان ۲۰ تا ۳۰ ساله.

ب- انواع بیکاری

- ۱- بیکاری ناشی از ورود فناوری مدرن.
- ۲- بیکاری اتفاقی ناشی از حوادث یا اعتصابات کارگری.
- ۳- بیکاری فصلی که مربوط به صنایع فصلی است.
- ۴- بیکاری عمومی: در این نوع بیکاری به علت کاهش هزینه های دولتی یا هزینه بخش خصوصی به شکل عمومی، تقاضای نیروی کار کاهش می یابد. این نوع بیکاری را معمولاً بیکاری غیرارادی هم می نامند، چون زمانی به وجود می آید که جمعیت فعال آماده کار کردن با شرایط موجود است، ولی قادر به یافتن کار نمی شوند و در مقابل آن، بیکاری ارادی قرار دارد یعنی وقتی که شخصی که سن فعالیت است، اما به علل مختلفاً مثل ناچیز بودن مزدها و قدرت خرید آن مایل به کار کردن نیست، یا دنبال شغل مورد علاقه خودش است.
- ۵- بیکاری پنهان: این نوع بیکاری با کیفیت کار سروکار دارد و فرد ظاهراً شاغل است، ولی در حقیقت هیچ نوع نقشی در تولید ندارد و موجب ارزش افزوده واقعی نمی شود.

ج- تعریف بیکار:

بیکار به اشخاصی از جمعیت فعال اطلاق می شود که سن آنها به سن فعالیت اقتصادی رسیده، اما در عمل به فعالیت اقتصادی نمی پردازند، کلیه کارگرانی که قرارداد کار آنها به پایان رسیده و در جستجوی کار جدید هستند،

یا اشخاصی که تازه به سن فعالیت رسیده و یا جدیداً وارد بازار کار شده اند و هنوز شاغل نیستند. همچنین اشخاصی که بدون شغل ثابت هستند و بالاخره اشخاصی که به علت تعطیلی کارگاه و مؤسسه و به دلایل مختلف فنی از قبیل: کمبود وسایل و عوامل تولید یا نقص فنی کارگاه و یا به علل اقتصادی خاص مثل: از بین رفتن بازار فروش مؤسسه و یا فقدان سود بهره وری کارگاه و از این قبیل، برای مدت نا معلوم و یا به طور دائم کار خود را از دست می دهند و مزدی دریافت نمی دارند، بیکاران یا جمعیت فعال غیر شاغل را تشکیل می دهند.

در این تحقیق، بیکار عبارت از کسی است که هنگام مراجعه پرسشگر به محل سکونت او، خودش را بیکار و در جستجوی کار معرفی کند. اعم از کسی که کاملاً بیکار است، یا شغل خانه داری دارد و یا دانشجوی است.

برای پاسخ به سئوالات تحقیق، یک نمونه ۱۱۰۰ نفری از بیکاران ۲۰ تا ۳۰ ساله ساکن شهر تهران مورد پرسشگری قرار گرفتند.

د- هدف تحقیق

هدف کلی این تحقیق عبارتست از کسب شناخت در مورد چگونگی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در بیکاری جوانان شهر تهران.

ه- سئوالات تحقیق

- ۱- آیا بین ارزیابی فرد از میزان دستمزد مشاغل و بیکاری او رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا بین سابقه روستا نشینی فرد و بیکاری او رابطه وجود دارد؟
- ۳- آیا بین میزان و نوع تحصیلات والدین فرد با بیکاری او رابطه وجود دارد؟
- ۴- آیا بین شغل مورد انتظار والدین فرد و بیکاری او رابطه وجود دارد؟
- ۵- آیا بین ارزیابی فرد از خصوصی یا دولتی بودن شغل و بیکاری او رابطه وجود دارد؟
- ۶- آیا بین وجود آسیب های اجتماعی در خانواده فرد (طلاق، اعتیادو ...) یا بیکاری او رابطه وجود دارد؟

۷- آیا بین بیمه نبودن فرد در کارهایی که داشته است و بیکاری او رابطه وجود دارد؟

۸- آیا بین میزان و نوع تحصیلات فرد با بیکاری او رابطه وجود دارد؟

و- فرضیه های تحقیق:

با توجه به نظریه های ارائه شده و سئوالات تحقیق، فرضیه های زیر مورد نظر پژوهشگر این تحقیق است:

۱- وجود آسیب اجتماعی در خانواده (طلاق، اعتیاد و ..) با بیکاری فرد رابطه دارد.

۲- سابقه روستائیشینی خانواده با بیکاری فرد رابطه دارد.

۳- ارزیابی فرد در خصوص نوع کار با بیکاری او رابطه دارد.

۴- ارزیابی فرد در خصوص یا دولتی بودن شغل مطلوبش با بیکاری او رابطه دارد.

۵- رشته تحصیلی فرد با بیکاری او رابطه دارد.

۶- میزان تحصیلات فرد با بیکاری او رابطه دارد.

۷- ارزیابی فرد از میزان دستمزد مشاغل با بیکاری او رابطه دارد.

۸- عدم پوشش تأمین اجتماعی و عدم برخوردارری از بیمه با بیکاری فرد رابطه دارد.

۹- شغل مورد انتظار والدین فرد با بیکاری او رابطه دارد.

ز- روش تحقیق:

در این تحقیق روش پیمایشی با استفاده از پرسشنامه به کار گرفته شده است.

ح- نتایج تحقیق

۱- نتایج توصیفی:

با توجه به عنوان این تحقیق، که (عوامل اجتماعی مؤثر در بیکاری جوانان) را در شهر تهران بررسی می کند، محقق با استفاده از تجربیات خود و مشاورین، طرح نمونه ای را به حجم ۱۱۰۹ نفر از جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله ساکن در مناطق بیست گانه شهر تهران شامل ۵۸۷ نفر جوان بیکار و ۵۲۲ نفر جوان شاغل مورد بررسی قرار داد.

ترکیب نمونه با هدف دست یابی به دو گروه نسبتاً برابر از بیکار و شاغل طراحی شد و نسبت آن متفاوت از نسبت واقعی بیکار و شاغل در جامعه است. حدود ۷۰ درصد افراد نمونه، ساکن مناطق شمالی شهر تهران (مناطق ۱ تا ۱۰) و ۴۶ درصد آنها ساکن مناطق جنوبی آن هستند. یعنی (مناطق ۱۱ تا ۲۰)، ۷۲ درصد افراد نمونه متولد تهران ۲۸ درصد متولد

• حفظ برخی هنجارهای ارزشی

درمورد شغل و ارزیابی سنتی از شغل، نوعی تأخیر فرهنگی را که ابتدا در مصرف کالاهای صنعتی به وجود آمده بود به پهنه اشتغال و کاریابی کشانده و مشکل بیکاری جوانان را در جامعه ما گسترش داده است.

شهرستان و ۲۸ درصد دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم هستند. ۴۴ درصد در حد دیپلم سواد دارند و بقیه یعنی ۲۸ درصد زیر دیپلم هستند. بیشترین نرخ بیکاری در بین کسانی است که در رشته های هنر و پزشکی تحصیل کرده اند، با ۷۳٪ و کمترین میزان بین کسانی است که بدون تخصص هستند با ۲۸٪. بررسی های بعدی نشان داد که میزان بیکاری در بین رشته های تحصیلی پاسخگویان از تفاوت معنی داری برخوردار است. میانگین مدت زمانی که بیکاران مورد مطالعه در جستجوی کار هستند در این تحقیق یکسال و چهار ماه (۱۶ ماه) است، این مدت در بین شاغلین مورد مطالعه حدود ۹ ماه بوده است. البته آنها به طور متوسط ۴/۲ سال قبل شاغل شده اند.

به عبارت دیگر، حدود ۴ سال قبل هر جوان ۲۰ تا ۳۰ ساله بیکار به طور متوسط پس از ۹ ماه در جستجوی کار بودن می توانست شاغل شود، ولی اکنون (سال ۱۳۸۱) این مدت حد اقل ۱۶ ماه به طول می انجامد. ۴۳٪ افراد بیکار در نمونه مورد مطالعه قبلاً شاغل بوده اند و آن را رها کرده اند یا برای آنها کار پیدا شده ولی به دلایلی نپذیرفته اند. عمده

دلایل ترک کار قبلی یا عدم پذیرش کارهایی که برای آنها پیدا شده است را نداشتن بیمه و دائمی نبودن آن کار، بیان کرده اند و در مواردی هم خستگی از کار و یا مشکلات شخصی عنوان شده است.

۳۷ درصد افراد مورد مطالعه هیچ تصمیمی برای آینده شغلی خودشان ندارند. ۱۶ درصد می خواهند ادامه تحصیل بدهند یا به سربازی بروند. ۲۸٪ دنبال کار دلخواه هستند که برای برخی از آنها کار دلخواه یعنی کار با درآمد بالا و برخی هم به دنبال کار دولتی هستند.

۱۱/۷ درصد هر کاری باشد را قبول می کنند و ۷ درصد مایلند شغل پدرشان را ادامه دهند. در بررسی الگوی کاریابی در گروه شاغل مورد مطالعه، مشخص شد که ۳۱ درصد آنها خودشان به دنبال کار رفته و موفق شده اند؛ ۳۲ درصد از طریق پدر، برادر یا فامیل شاغل

شده اند؛ ۲۶ درصد از طریق دوستان و ۱۱ درصد از سایر طرق از جمله مراکز کاریابی وزارت کار و امور اجتماعی. در بررسی وضعیت تغییر شغل مشخص شد که ۴۲ درصد افراد شاغل مورد مطالعه تا به حال حداقل یک بار و حداکثر ۱۰ بار تغییر شغل داده اند، با میانگین ۳/۶ تغییر شغل در طول ۴/۲ سال. یعنی به طور متوسط حدود نیمی از افراد شاغل هر چند وقت یکبار و کمتر از ۲ سال شغل خود را رها کرده و مدتی بیکاری کشیده اند تا مجدداً به کار دیگری مشغول شده اند، دلایل این تغییر شغل ها را عمدتاً در نارضایتی از شغل یافتیم. مشخص شد که ۳۷/۵ درصد افراد شاغل در کار فعلی خودشان نارضاضی هستند، ۴۰ درصد رضایت متوسط دارند و فقط ۲۱/۵ درصد رضایت شغلی زیاد دارند. افرادی که رضایت شغلی ندارند یا درجه رضایت شغلی آنها کم یا خیلی کم است، عمدتاً دلیل آن را عدم برخوردارری از بیمه و تأمین اجتماعی می دانند. همچنانکه ۱/۳ کسانی که تغییر شغل داده اند نیز دلیل تغییر شغل خودشان را نداشتن بیمه و دائمی نبودن شغل اعلام کرده اند. در این بررسی هم مشخص شد که در بین افراد شاغل در نمونه مورد مطالعه هم ۴۶ درصد زیر پوشش

تأمین اجتماعی هستند یا بیمه دولتی دارند، ولی ۵۴ درصد آنها از هیچ گونه بیمه ای برخوردار نیستند. پیشنهادهای افراد شاغل در نمونه مورد بررسی برای کاهش بیکاری در جامعه هم عمدتاً توسعه پوشش تأمین اجتماعی، افزایش آموزش های فنی و حرفه ای، ایجاد مراکز مشاوره کارایی، آموزش جوانان در مورد فرایند کارایی و متعادل کردن توقع جوانان از شغل آینده و ایجاد تعاونی های اشتغال و در نهایت تأمین وام های شغلی است. ۴۸ درصد از بیکاران مورد مطالعه برای پذیرش شغل پایین تر از تحصیلات خودشان آمادگی دارند. از بیکاران مورد مطالعه ۵۲/۵٪، عمدتاً آقایان آماده اند که به صورت قانونی برای اشتغال به خارج از کشور بروند.

۲۳٪ از بیکاران مورد مطالعه (عمدتاً آقایان) آمادگی دارند که به جای افغانی هایی که از کشور خارج می شوند کار کنند. ۱۷/۵٪ (عمدتاً آقایان) حاضرند در فضاهای آلوده و سخت مشغول کار شوند.

۲- نتایج تحلیلی

با توجه به فرضیه شماره ۲ تحقیق در مورد رابطه بین سابقه بین روستا نشینی فرد با اشتغال او، داده های تحقیق نشان می دهد که در جامعه مورد مطالعه، در بین کسانی که پدرشان متولد تهران است، ۶۰ درصد بیکاری وجود دارد، ولی در بین کسانی که پدرشان متولد روستا است ۳۹ درصد بیکاری مشاهده شده است، که تفاوت معنی داری را نشان می دهد. در مورد کسانی که پدرشان متولد شهرستان است، وضعیت بین این دو قرار دارد، یعنی ۵۱ درصد بیکار. آزمون های آماری هم بین این دو متغیر تفاوت معنی داری را نشان می دهد. لذا می توان گفت که فرضیه شماره ۲ تحقیق رد نمی شود. به عبارت دیگر، می توان فرضیه شماره ۲ تحقیق را پذیرفت. یعنی بین سابقه روستانشینی خانواده و اشتغال فرد در تهران، رابطه ای مثبت وجود دارد. احتمالاً عواملی چون قناعت به حداقل ها در فرهنگ روستایی، محدود بودن آرزوهای روستاییان و

عدم علاقه آنها به ریسک کردن می تواند دلیلی باشد در پذیرش این فرضیه.

در مورد فرضیه شماره ۱ تحقیق که رابطه بین حوادث خانوادگی و اشتغال فرد را مورد توجه داشته است، داده های تحقیق نشان می دهد که هیچگونه رابطه معنی داری بین این دو عامل وجود ندارد.

در مورد عوامل اجتماعی مؤثر در بیکاری، اهمیت عامل در بین پاسخگویان اعم از شاغل و بیکار مورد سنجش قرار گرفته. نتیجه اینکه، ۶ مورد آن توسط پاسخگویان مهم تشخیص داده شد که عبارتند از:

۱- عامل در آمد و حقوق مکفی در شغل که ۹۳ درصد بیکاری و ۹۶٪ شاغلین آن را مهم دانستند. این عامل برای ۹۰٪ زنان بیکار مهم بود، ولی در گروه مردان بیکار ۹۶ درصد آن را مهم تلقی کردند.

۲- عامل بیمه بودن شغل، که ۸۹ درصد بیکاران و ۸۵ درصد شاغلین آن را مهم دانستند. این عامل برای ۹۰ درصد زنان بیکار مهم بود، ولی در گروه مردان بیکار ۹۸ درصد آن را مهم تلقی کردند.

۳- عامل احترام داشتن شغل نزد مردم، که ۸۸ درصد بیکاران و ۹۰ درصد شاغلین آن را مهم دانستند. این عامل برای ۹۳ درصد زنان بیکار مهم بود. ولی در گروه مردان بیکار، ۸۴ درصد آن را مهم تلقی کرده اند.

۴- عامل بهداشتی بودن محل کار، که ۷۷ درصد بیکاران و ۷۰ درصد شاغلین آن را مهم دانستند. این عامل برای ۸۶ درصد زنان بیکار مهم بود و افراد گروه مردان بیکار، ۷۰ درصد آن را مهم تلقی کرده اند.

۵- رسمی بودن شغل، که ۷۶ درصد بیکاران و ۵۸ درصد شاغلین آن را مهم دانستند. این عامل برای ۸۲ درصد زنان بیکار مهم بود، ولی در گروه مردان بیکار، ۷۲ درصد آن را مهم تلقی کرده اند.

۶- دولتی بودن شغل که ۶۳٪ بیکاران و ۴۷٪ شاغلین آن را مهم دانستند. این عامل برای ۷۴٪ زنان بیکار مهم بود. ولی در گروه

مردان بیکار، ۵۵ درصد آن را مهم تلقی کرده اند.

چنانچه عواملی چون بیمه بودن، رسمی بودن و دولتی بودن شغل را در یک مجموعه بررسی کنیم و با استناد به ویژگی مشترک این سه عامل، که امنیت شغلی و تأمین آینده را در پی دارد، مشخص می شود که توسعه تأمین اجتماعی و فراگیر شدن آن در مشاغل مختلف می تواند عاملی باشد برای کاهش نرخ بیکاری جوانان به ویژه در گروه زنان ۲۰ تا ۳۰ ساله.

عامل مهم دیگری که جوابگوی نیازهای مادی جوانان می باشد، میزان درآمد و حقوق است که توسط ۹۳ درصد بیکاران و ۹۶ درصد افراد شاغل مورد مطالعه مهم مطرح شده است. این عامل توسط ۹۰ درصد زنان بیکار و ۹۶ درصد مردان بیکار مورد مطالعه عاملی مهم برای شغل آینده آنها مطرح شد.

مصاحبه های عمیق در فرایند پرسشگری از کسانی که چند بار تغییر شغل داده اند، اعم از کسانی که اکنون بیکار هستند یا مجدداً برای چندمین بار شاغل شده اند، نشان می دهد که دلایل رها کردن شغل قبلی بعد از عامل بیمه نبودن شغل، عامل کمی حقوق و دستمزد بوده است. عامل دیگری که توسط ۹۰ درصد بیکاری و ۸۸ درصد شاغلین مورد مطالعه مهم مطرح شده است، احترام داشتن شغل نزد مردم است. این عامل برای ۹۳٪ زنان بیکار مهم مطرح شد.

و آخرین عامل مهم در ۶ عامل مطرح شده، مربوط است به بهداشتی بودن محل کار. بهداشتی بودن محل کار را ۷۷ درصد بیکاری و ۷۰ درصد شاغلین مهم تلقی کرده اند. این عامل به ویژه در گروه زنان بیکار توسط ۸۶ درصد آنها مهم مطرح شده است و در مواردی هم محدودیت عاملی بوده که در تغییر شغل آنها مؤثر بوده است. در مصاحبه های عمیق مشخص شد که منظور پاسخگویان از بهداشتی بودن محل کار، تنها بهداشت پزشکی نیست، بلکه بهداشت روانی، سرو صدا، آلودگی های محیطی و بهداشت اجتماعی هم مورد نظر بوده است.

پنج مورد دیگر از عوامل سنجش شده که توسط پاسخگویان مورد مطالعه از اهمیت کمتری برخوردار بوده اند، عبارتند از:

۱- وجود ساعت کار ثابت و مرخصی مشخصی در شغل که ۵۵ درصد کل افراد مورد مطالعه آن را مهم دانسته، ولی در گروه زنان مورد مطالعه ۶۲ درصد آن را مهم تلقی کرده اند.

۲- راحت بودن شغل که ۵۰ درصد آن را مهم دانسته اند.

۳- اهمیت به نظر والدین در شغل که ۵۰ درصد آن را مهم دانسته اند، ولی در گروه زنان مورد مطالعه ۶۰ درصد آن را هم تلقی کردند.

۴- وجود پست مدیریتی در شغل که ۴۵ درصد آن را مهم دانسته اند.

۵- عامل آزاد بودن شغل که ۳۶ درصد آن را مهم دانسته اند و در گروه زنان فقط ۱۷٪ آن را مهم تلقی کرده اند. نتیجه این که، از ۹ فرضیه مطرح شده در این تحقیق، دو فرضیه رد شد و هفت فرضیه رد نشد.

ادامه بررسی در نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که بر خلاف تصور عامه که می پندارند علل بیکاری جوانان تهران این است که آنها به دنبال کاری راحت و شغل اداری، پشت میز نشینی و استخدام در مشاغل دارای عنوان مدیریت هستند، در نمونه مورد مطالعه، چنین ویژگی هایی کمتر مشاهده شدو فرضیه های مربوط به این موارد در این تحقیق رد شد.

البته جوانان مورد مطالعه به دنبال شغل با درآمد بالا هستند که دلیل آن هم شرایط محیطی است. یعنی بالا رفتن هزینه های زندگی مثل هزینه تأمین مسکن و ازدواج که هر دوی آنها تابع هنجارهای هزینه بر جدید هستند و به تبع آن اکثر جوانان بیکار مورد مطالعه، چون به شغل آینده به عنوان وسیله ای برای تأمین نیازهای پیش روی خودشان مثل ازدواج، مسکن، اتومبیل و غیره نگاه می کنند، لذا به دنبال شغلی هستند با درآمد بالا و همچنین برای جواب به نیازهای تأمینی در جهت کاهش اضطراب های ناشی از ناامنی در

زندگی آینده خودشان به دنبال مشاغل دارای تأمین اجتماعی هستند. در نتیجه می توان گفت جوانان مورد مطالعه در زمینه کاریابی، رفتار عقلایی دارند و محور اقدامات آنها هم هنجارهای جاری در خرده فرهنگ نسل جدید است.

از سوی دیگر، در فرآیند چرخش فرهنگی که در نسل جدید کشور اتفاق افتاده است، اصل قناعت در زندگی اکثر جوانان کنار گذاشته شده و رفتار مصرف گرایی هرچه بیشتر زندگی آنها را در بر گرفته است. در خرده فرهنگ جدید، تقاضا برای دستیابی به درآمد بیشتر و پولدار شدن سریع به عنوان شاخص اصلی شغل آینده

۱- انجام تحقیق در زمینه امکان گسترش پوشش تأمین اجتماعی به مشاغل آزاد جدید بدون مکان خاص مثل کار از راه دور، کار با رایانه، سرویس خانگی، کار هنری و همچنین دست فروش ها، بافندگان و خیاطان خانگی، کلید سازان دوره گرد و غیره.

۲- ایجاد مراکز مشاوره کاریابی با حضور مشاوران آموزش دیده در جهت افزایش جویندگان کار در زمینه وجود کار و کیفیت کار.

۳- ایجاد مراکز هدایت شغلی در جهت خواسته های شغلی در بیکاران و هدایت آن برای پیشگیری از تغییر شغل.

۴- گسترش آموزش های فنی و حرفه ای

مدل فرآیند نقش عوامل اجتماعی در بیکاری جوانان تهران ۱۳۸۱



آنها تعریف می شود. لذا اگر جوان بیکار با دستیابی به یک شغل نمی تواند هزینه های مرتبط با این خرده فرهنگ را بپردازد، به شغل دوم و سوم رو می آورد و مشاغل با درآمد کمتر را رها می کند و مدت ها به صورت آزمایش و خطا، مشاغل مختلف را به صورت موقت، آزمایش می کند تا در نهایت شغل مناسب با درآمد زیاد و دارای تأمین اجتماعی و در عین حال شغل مورد احترام مردم را بیابد.

پیشنهاد های تحقیق

باتوجه به نتایج حاصل از این تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:

مطابق با نیازهای جدید بازار کار.
۵- گسترش آموزش های کار آفرینی از مهد کودک تا دانشگاه.

۶- تشویق جوانان به سوی مشاغل آزاد.
۷- حمایت از ابتکارات جوانان جویای کار در ایجاد شغل برای خود و دیگران.

۸- آموزش خانواده ها برای تغییر نگرش به مشاغل جدید و کمک به جوانان خانواده در انتخاب شغل.

۹- اقدام در جهت افزایش حرمت مشاغل سالم.

۱۰- توسعه برنامه اعزام نیروی کار به خارج به ویژه در بین تحصیل کردگان.